معیار شناخت شوخی و خنده سالم

اصل شوخی و خنده، مسئله‌ای است که در اخلاق اسلامی افزون بر سفارش به آن، رفتاری اخلاقی و مفید تعریف شده است؛ به‌ویژه در شرایط و موقعیت‌های خاص. سیره اولیای دین هم بر شوخی با دیگران و همراهی با افرادی است که شوخی می‌کرده‌اند. در فرهنگ دینی و اخلاق اسلامی برای شوخی و خنده شرایط و آداب و حدودی تعریف شده است که اگر این شروط رعایت نشود، نه‌تنها آن خنده و شوخی تأیید نمی‌شود، بلکه حتی سبب عقاب و نکوهش هم است و آثار ویران‌کننده‌ای در پی دارد. در این نوشتار برخی از مهم‌ترین شرایط و آداب و حدود شوخی و مزاح بیان می‌شود.

اهمیت قصد و نیت

در سنجش و ارزش‌گذاری یک عمل، نیت فاعل از انجام فعل مهم‌ترین و اساسی‌ترین بخش آن به شمار می‌آید؛ همان‌طور که نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّیَّاتِ؛ همانا ارزش اعمال به نیت آن‌هاست.»[1] بنابراین هرچه نیت و قصدی که انسان‌ها از انجام یک فعل در نظر دارند، خالصانه‌تر و اخلاقی‌تر باشد، ارزش آن بیشتر است؛ وگرنه اگر نیت و هدف انجام فعل، غیراخلاقی یا خالصانه برای خداوند متعال نباشد، ارزشی نخواهد داشت. بر این اساس، اگر هدف از شوخی و خنده، مسائلی چون شاد کردن دل مؤمن باشد و شاد کردن دیگران را هم برای رضای الهی انجام دهند، عمل آن‌ها نوعی عبادت به شمار می‌رود و ثواب فراوانی خواهد داشت؛ ولی اگر برای تحقیر و اذیت مؤمن باشد، این شوخی و خنده ارزش و پاداشی نخواهد داشت، بلکه چه‌بسا عقوبت هم داشته باشد.

اهل‌بیت (ع) درباره کیفیت خنده توصیه کرده‌اند که شایسته است خنده مؤمن در حد تبسم و بدون صدا و آرام باشد و خنده همراه با قهقهه را از شیطان دانسته‌اند و توصیه فرموده‌اند: «هرگاه قهقهه زدی، در پی آن بگو: خدایا، بر من خشم مگیر.

کافی‌نبودن صحت نیت

نیت بخش مهم و اساسی ارزش‌گذاری یک عمل است؛ با این وجود، فقط داشتن نیت اخلاقی و الهی برای تأیید آن کافی نیست، بلکه افزون بر داشتن نیت درست و خالص باید شرایط دیگر هم در زمان شوخی و خنده رعایت شود تا درنهایت تأیید شود و پاداش و اجر الهی هم در پی داشته باشد. در منابع دینی این شروط به‌روشنی بیان شده است که در نکته بعد بیان می‌شود.

شرایط شوخی مطلوب

شوخی و خنده‌ای تأیید می‌شود که افزون بر داشتن نیت درست و الهی، شرایط زیر هم در آن رعایت شود:

۱. رعایت حدود شرعی و اخلاقی در محتوا و کیفیت شوخی

در زمان شوخی و مزاح باید حدود شرعی و اخلاقی رعایت شود و مصداق بی‌تقوایی و بداخلاقی نباشد؛ مثلاً سبب تحقیر یا غیبت یا اذیت دیگران نشود و با دروغ‌گویی یا تهمت یا سرزنش یا افشای سرّ دیگران و آبروریزی و ... همراه نباشد. امام باقر(ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللهَ عَزَّوجلَّ یُحِبُّ المُداعِبَ فی الجَماعهِ بلا رَفَثٍ؛ خداوند عزّوجلّ کسی را که در میان جمعی شوخی و بذله‌گویی کند، دوست دارد؛ به شرط آنکه ناسزاگویی نباشد.»[2] پیامبر خدا (ص) نیز فرمود: «وَیلٌ لِلّذی یُحَدِّثُ فَیَکذِبُ لِیُضحِکَ القَومَ، وَیلٌ لَهُ، وَیلٌ لَهُ، وَیلٌ لَهُ وَیلٌ لِلّذی یُحَدِّثُ فَیَکذِبُ لِیُضحِکَ القَومَ، وَیلٌ لَهُ، وَیلٌ لَهُ، وَیلٌ لَهُ، وَیلٌ لَهُ؛ وای بر کسی که برای خنداندن مردم، سخنِ دروغ بگوید؛ وای بر او، وای بر او، وای بر او.»[3]

۲. متناسب‌بودن با زمان و موقعیت

هر زمانی اقتضائاتی دارد و هر شوخی، مناسب هر زمان و شرایطی نیست و در برخی زمان‌ها شوخی و خنده‌کردن، درست و اخلاقی نیست؛ ازاین‌رو یکی از شرایط تأیید مزاح و شوخی، داشتن تناسب با زمان و موقعیت است؛ ازاین‌رو شوخی در روز عزای اهل‌بیت (ع) یا زمانی که کسی داغ دیده است یا زمانی که به جدیت و تمرکز بالا نیاز است، کار صحیح و اخلاقی نیست. چنان‌که خداوند متعال درباره قوم حضرت موسی (ع) می‌فرماید: «پس چون [موسی] آیات ما را برای آنان بیاورد، ناگهان بر آن‌ها خندیدند»[4]؛ یعنی هنگام نازل‌شدن آیات الهی که زمان تأمل و تفکر و عبرت‌گرفتن و به‌خودآمدن است، آن‌ها می‌خندیدند که این نوع خنده با شرایط و موقعیت تناسب ندارد و نکوهیده است.

۳. تناسب‌داشتن با مکان

شوخی و مزاح باید با مکان و محفلی که در آن واقع می‌شود، همخوانی داشته باشد؛ چراکه هر شوخی با هر مکان و موقعیتی تناسب ندارد. برای مثال در کربلای معلی که توصیه شده است با حالت محزون و مصیبت‌زده زیارت انجام گیرد یا در مجلس عزا، مجلس علم‌آموزی، مجلس ذکر و توسل و عبادت و ...، شوخی و خنده یا اصلاً مجاز نیست یا نوع خیلی خاص و محدود آن جایز است.

۴. رعایت جایگاه گوینده یا مخاطب

هر مخاطب یا گوینده‌ای دارای جایگاهی است که باید در تعاملات رعایت شود؛ به‌ویژه هنگام شوخی که حوزه لغزنده‌ای است، باید در انتخاب نوع و میزان و روش شوخی، جایگاه مخاطب و کسی که با او شوخی می‌شود، رعایت گردد؛ وگرنه شوخی و مزاح مورد تأیید نیست و چه‌بسا مصداق بی‌احترامی و بداخلاقی باشد.

۵. نداشتن عواقب بد

یکی دیگر از شروط صحت شوخی و خنده، مترتب‌نشدن عواقب و نتایج بد بر آن است و اینکه تالی فاسد نداشته باشد؛ چراکه گاهی خود شوخی سالم است، اما لوازم و عواقبش خوب نیست؛ برای مثال باطلی را تأیید نکند، فحشایی اشاعه ندهد، سبب اختلاف و تفرقه نشود، بدعت نگذارد، سبب گمراهی دیگران نشود، از بدی‌ها و زشتی‌ها قبح‌شکنی نکند و ... .

پیامبر خدا فرمودند: «مَن تَبَسَّمَ فی وجهِ مُبتَدِعٍ فقد أعانَ علی هَدمِ دینِهِ؛ هر کسی به روی بدعت‌گذار لبخند بزند، به نابودی دین خود کمک کرده است.»[5]

۶. بی‌دلیل‌نبودن خنده

هر شادی و خنده‌ای باید دلیل موجه و متعارفی داشته باشد؛ گاه دیده می‌شود افراد بدون دلیل متعارف یا با کمترین دلیل، خنده و شادی بسیاری می‌کنند و بین میزان خنده و دلیل خنده آن‌ها تناسبی برقرار نیست؛ به‌طوری که از نظر عقلا، رفتارشان مصداق مسخرگی و لودگی است و رفتار معقولی نیست.

در روایات متعددی از این نوع خنده و شوخی‌ها به‌شدت نکوهش شده و مصداق رفتار جاهلانه و سبب غضب خدا معرفی شده است؛ چنان‌که امام صادق(ع) فرمودند: «ثلاثٌ فیهنّ المَقتُ مِن اللهِ عَزّوجلّ: نَومٌ مِن غَیرِ سَهرٍ، وضِحکٌ مِن غَیرِ عَجَبٍ، وأکلٌ علی الشِّبَعِ؛ سه چیز است که خداوند عزّوجلّ از آن‌ها نفرت دارد: خوابیدنِ بدون شب‌زنده‌داری، خنده [بی‌دلیل و] بدون تعجب و غذاخوردن با شکم سیر.»[6]

۷. شادی و خوشحالی‌نکردن با معصیت الهی

انسان باید از انجام گناه و معصیت، سرافکنده و شرمنده و شرمسار باشد؛ اما گاهی برخی به جای خجالت و سرافکندگی از ارتکاب معصیت الهی، خوشحالند و با افتخار آن را در قالب شوخی یا جدی تعریف می‌کنند و بدون هیچ خجالتی درصدد خنداندن دیگران با تعریف آن هستند. این نوع شوخی‌ها هم اصلاً تأیید نمی‌شود و در سخنان اهل‌بیت(ع) پیامدهای سختی برای آن‌ها بیان شده است؛ چنان‌که از حضرت سجاد(ع) نقل شده است: «إِیّاکَ والابتِهاجَ بالذنبِ، فإنّ الابتِهاجَ بِهِ أعظَمُ مِن رُکوبِهِ؛ از شادمانی به گناه بپرهیز؛ زیرا شادمانی به آن بدتر از ارتکاب آن است.»[7]

۸. شادی و خنده‌نکردن از سقوط دیگران

فراوان دیده شده است که برخی‌ها از وقایع سخت یا بدی که برای دیگران می‌افتد، شادی و خنده می‌کنند. این نوع شوخی و خنده‌ها رفتاری انسانی و اخلاقی نیست؛ به‌ویژه اگر این خنده به دلیل سقوط و هلاکت و بی‌آبرویی دیگران باشد که رفتاری به‌شدت نکوهیده و ناپسند است. اهل‌بیت از این نوع خنده و شادی‌ها قاطعانه پرهیز داده‌اند؛ چنان‌که حضرت علی (ع) فرمودند: «لا تَفرَحَنّ بِسَقطَهِ غَیرِکَ؛ فإنّکَ لا تَدری ما یُحدِثُ بِکَ الزّمانُ؛ از فروافتادن دیگران هرگز خوشحالی مکن؛ زیرا چه می‌دانی که روزگار بر سرت چه خواهد آورد»[8]؛ مراد حضرت این است که شاید روزگار با تو هم کاری کرد که تو هم سقوط کنی.

۹. افراط نکردن در شوخی و خنده

افزون بر شروطی که درباره محتوای شوخی و خنده‌ها در منابع دینی بیان شده است، درباره میزان خنده و شوخی هم تذکرات متعددی در فرمایشات اولیای دین مشاهده می‌شود که شوخی و خنده‌ها نباید زیاد و غفلت‌آفرین باشد و نباید بر جدیت انسان غلبه نکند؛ چراکه اگر زیاد شد، نتایج اخلاقی و اجتماعی بسیار بدی در پی خواهد داشت. بزرگان فرموده‌اند شوخی مانند نمک غذاست که تا وقتی میزان آن رعایت شود، سبب خوش‌طعمی و دلنشینی غذا می‌شود؛ اما اگر از حد گذشت، موجب دلزدگی و تنفر می‌شود و آثار ویران‌کننده اخلاقی و روحی مانند قساوت قلب هم در پی دارد. از حضرت علی (ع) نقل شده است: «مَن کثُرَ هَزلُهُ استُجهِلَ؛ هرکه زیاد شوخ و غیرجدّی باشد، نادان شمرده شود.»[9]

۱۰. رعایت کیفیت خنده

اهل‌بیت (ع) درباره کیفیت خنده هم توصیه فرموده‌اند که شایسته است خنده مؤمن در حد تبسم[10] و بدون صدا و آرام باشد و خنده همراه با قهقهه را از شیطان دانسته‌اند[11] و توصیه فرموده‌اند: «هرگاه قهقهه زدی، در پی آن بگو: خدایا، بر من خشم مگیر؛ ضِحکُ المؤمنِ تَبَسّمٌ؛ القَهقَهَهُ مِنَ الشّیطانِ؛ إذا قَهقَهتَ فَقُل حِینَ تَفرَغُ اَللّهُمّ لاَ تَمُقتْنِی.»[12]

نتیجه

برای اینکه شوخی و خنده‌ها مهر تأیید بگیرند، باید افزون بر داشتن نیت خالصانه و درست، شرایط مهم دیگری هم داشته باشند؛ از جمله باید زمان شوخی و خنده، تقوای الهی و اخلاق اسلامی رعایت شود؛ یعنی مصداق محرمات الهی و بداخلاقی نشود؛ برای مثال موجب اذیت یا تحقیر مؤمن یا غیبت و تهمت به دیگران و ... نشود. همچنین باید با موقعیت زمانی و مکانی و جایگاه گوینده و شنونده و کسی که با او شوخی می‌شود، همخوانی و تناسب داشته باشد؛ همچنان‌که باید تالی فاسد نداشته باشد، به معصیت الهی افتخار و شادی نشود، سقوط و رنج دیگران اسباب آن شوخی نباشد، در میزان شوخی افراط نشود و در کیفیت خنده هم باید آرام و متین باشد و از قهقهه‌زدن پرهیز شود. مجموعه این موارد شروطی است که با رعایت آن‌ها شوخی و خنده انسان عملی ارزشمند و دارای پاداش و ثواب و نتایج مثبت فراوان خواهد بود.

برای مطالعه بیشتر:

۱. پژوهشی درباره طنز در شریعت و اخلاق؛ مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.
۲. محمدجواد نوری و دیگران؛ آداب شوخی‌کردن؛ تهران: عابداندیش، ۱۳۹۶ ش.

پی‌نوشت‌ها:

۱. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ ق، ج ۶، ص ۵.
۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ تحقیق: علی‌اکبر غفاری؛ چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۶۶۳.
۳. محمد بن حسن طوسی؛ الامالی؛ تحقیق: مؤسسه بعثت؛ قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۳۷.
۴. زخرف: ۴۷.
۵. محمد بن علی ابن‌شهرآشوب مازندرانی؛ مناقب آل‌ابی‌طالب؛ قم: علامه، ۱۳۷۹ ق، ج ۴، ص ۲۵۱.
۶. شیخ صدوق؛ الخصال؛ تحقیق و تصحیح: علی‌اکبر غفاری؛ قم: جامعه مدرسین حوزه، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۸۹.
۷. ابن‌ابی‌الفتح اربلی؛ کشف الغمهٔ؛ تبریز: بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ ق، ج ۲، ص ۱۰۸.
۸. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ تصنیف غرر الحکم؛ تحقیق: مصطفی درایتی؛ قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۰۱.
۹. محمد بن حسین آقا جمال خوانساری؛ شرح غرر الحکم؛ چ ۴، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش، ج ۵، ص ۲۰۰.
۱۰، ۱۱، ۱۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۶۶۴.

*سید حبیب حسینی رنانی

در زمان شوخی و مزاح باید حدود شرعی و اخلاقی رعایت شود و مصداق بی‌تقوایی و بداخلاقی نباشد؛ مثلاً سبب تحقیر یا غیبت یا اذیت دیگران نشود و با دروغ‌گویی یا تهمت یا سرزنش یا افشای سرّ دیگران و آبروریزی و ... همراه نباشد.

اصل شوخی و خنده، مسئله‌ای است که در اخلاق اسلامی افزون بر سفارش به آن، رفتاری اخلاقی و مفید تعریف شده است؛ به‌ویژه در شرایط و موقعیت‌های خاص. سیره اولیای دین هم بر شوخی با دیگران و همراهی با افرادی است که شوخی می‌کرده‌اند. در فرهنگ دینی و اخلاق اسلامی برای شوخی و خنده شرایط و آداب و حدودی تعریف شده است که اگر این شروط رعایت نشود، نه‌تنها آن خنده و شوخی تأیید نمی‌شود، بلکه حتی سبب عقاب و نکوهش هم است و آثار ویران‌کننده‌ای در پی دارد.

تکامل در برزخ و چگونگی آن

موضوع تکامل برزخی از مسائلی است که ظاهر برخی آیات بر آن دلالت دارد و در احادیث فراوانی بدان تصریح شده است. بر اساس آموزه‌های یادشده، عالم برزخ، حدفاصل بین عالم دنیا و قیامت است و حیات در آن یک حقیقت اجتناب‌ناپذیر است و انسان در عالم برزخ از برکات و خیراتی که بعد از مرگ نصیب او می‌شود بهره‌مند می‌شود.

احادیث فراوانی در این زمینه وارد شده است؛ ازجمله: پیامبر(ص) فرمود:

«مَنْ سَنّ سُنّهً حَسَنَهً فَلَهُ أجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَی یوْمِ الْقِیامَه مِنْ غَیرِ أَنْ یُنْقَصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَیءٌ»؛ هرکسی سیره و روش خوبی را در جامعه بنیان نهد، اجر آن سیره و اجر کسانی که تا قیامت به آن سیره عمل می‌کنند، برای او خواهد بود، بدون آنکه از اجر عاملین به آن، چیزی کاسته شود و نیز آن حضرت فرمود:

«مَرّ عِیسَی ابْنُ مَرْیمَ بِقَبْرٍ یعَذّبُ صَاحِبُهُ ثُمّ مَرّ بِهِ مِنْ قَابِلٍ فَإِذَا هُوَ لَیسَ یعَذّبُ فَقَالَ: یا رَبّ مَرَرْتُ بِهَذَا الْقَبْرِ عَامَ أوّل فَکانَ صَاحِبُهُ یعَذّبُ ثُمّ مَرَرْتُ بِهِ الْعَامَ فَإِذَا هُوَ لَیسَ یعَذّبُ فَأَوْحَی اللهُ عَزّوَجَلّ إِلَیه یا رُوحَ اللهِ، إِنّهُ أَدْرَکَ لَهُ وَلَدٌ صَالِحٌ فَأَصْلَحَ طَرِیقاً وَآوَی یتِیماً فَغَفَرْتُ لَهُ بِمَا عَمِلَ ابْنُهُ»؛ حضرت مسیح (ع) بر قبری گذر کرد که صاحب آن معذّب بود، سال بعد نیز از کنار همان قبر گذشت و صاحب قبر را معذّب نیافت، از ساحت الهی علّت آن را جویا شد، خدای تعالی به او وحی کرد که ای روح‌الله، آن شخص دارای فرزند صالحی است که راهی را اصلاح کرده و یتیمی را پناه داده است؛ ازاین‌رو او را مورد مغفرت قرار دادم به سبب آنچه فرزندش انجام داد.[1]

پژوهشگران دینی از دیرباز در پرتو استفاده از آیات قرآن و به‌ویژه احادیث، بسته به رویکرد معرفت‌شناسی دینی خویش تلاش کرده‌اند چگونگی زندگی در عالم برزخ و ویژگی‌های آن را به تصویر بکشند.

آنچه پرسش و پاسخ درباره موضوع تکامل برزخی را ضروری می‌کند و به بررسی و تحقیق در این زمینه اهمیت می‌دهد، این است که عقل سلیم حکم می‌کند انسان نسبت به اموری که در مسیر زندگی‌اش قرار دارد (اعم از زندگی این دنیا و عوالم دیگر) اطلاع داشته باشد و پیشاپیش متناسب با نیازهای پیش‌رو اقدام کرده و آمادگی کافی داشته باشد.

ازجمله مسائل مبتنی بر حیات برزخی، موضوع تکامل برزخی است که آیا کمال‌پذیری نفس و در مقابل آن، تنزل نفس وجود دارد یا نه؟ آیا تحول و دگرگونی انسان، چه در مسیر تکامل و رشد و یا در مسیر تنزل، مختص به حیات دنیوی است و یا در برزخ نیز نوعی از این تحول وجود دارد؟

اهمیت موضوع تکامل برزخی

آنچه پرسش و پاسخ درباره موضوع تکامل برزخی را ضروری می‌کند و به بررسی و تحقیق در این زمینه اهمیت می‌دهد، این است که عقل سلیم حکم می‌کند انسان نسبت به اموری که در مسیر زندگی‌اش قرار دارد (اعم از زندگی این دنیا و عوالم دیگر) اطلاع داشته باشد و پیشاپیش متناسب با نیازهای پیش‌رو اقدام کرده و آمادگی کافی داشته باشد. از سوی دیگر، مسائل پیرامون برزخ از قبیل حیات برزخی، تکامل یا تنزل برزخی و ... علاوه بر اینکه خود مورد توجه بسیاری از دانش‌پژوهان دینی است، در بسیاری از موضوعات مهم و اساسی دیگر مانند توسل، شفاعت، استغاثه، هدیه به اموات و... نیز نقش کلیدی و تعیین‌کننده دارد؛ به‌طوری که تحلیل و بررسی موضوعات یادشده و نیز نفی و اثبات آن‌ها، تحت تأثیر نفی و اثبات مسائل مربوط به برزخ است.

چیستی تکامل برزخی

وقتی سخن از تکامل یا تنزل برزخی است، طبیعی است که منظور از آن، تکامل و تنزل متناسب با نظام عالم برزخ است که متفاوت با نظام عالم ماده است.

لذا تکامل عملی که در سایه انجام اعمال نیک به دست می‌آید در عالم برزخ زمینه ندارد تا انسان با انجام کاری واجب یا مستحب به کمال برتر عملی برسد؛ چرا که عالم برزخ، عالم تکلیف نیست[2] و شرایط و قوانین حاکم بر آن مثل شرایط و قوانین حاکم بر دنیا نیست تا رشد و تکامل در آن به شکل ماده و حرکت باشد؛[3]

ولی راه تکامل علمی و معرفتی باز است، به این معنا که به‌حسب کارهای خوبی که انسان در دنیا انجام داده است و اثرش باقی است در عالم برزخ سبب ارتقای درجات وی می‌شود. نظیر آنچه در رؤیا برای روح معلوم می‌شود و برای آگاهی به آن حرکت فراگیری از قبیل کوشش‌های بدنی در زمان بیداری راه ندارد و بسیاری از علوم و معارف دین در آنجا برای انسان‌ها روشن و مشهود خواهد شد.[4]

باید اذعان کرد که درک رشد و ترقی در عالم برزخ برای ما سخت است؛ زیرا انسان فقط با نظام حاکم بر این جهان آشناست، لذا درک چگونگی پدیده‌های جهان برزخ برای وی نامفهوم است، مگر آنکه بتواند به تجرد برزخی برسد.[5]

از این رو، اثبات تکامل برزخی از مسیر استدلال عقلی و بدون تکیه بر منابع وحیانی، دشوار و غیرممکن است؛ زیرا رکن و پایه اصلی رشد و تکامل در نگاه عقلی و فلسفه، ماده و حرکت است و چون در عالم برزخ، ماده نیست، پس تحول و دگرگونی نیز نخواهد بود، اما چون منطق وحی فرموده که بعد از حیات دنیوی هنوز زمینه رشد و تکامل و نیز تنزل و انحطاط وجود دارد، عقل و فلسفه نیز به تبع وحی و شرع می‌تواند تکامل را اثبات کند.[6]

رای درک ساده‌ای از معنای تکامل برزخی می‌توان به مفاهیم ملموس‌تری نیز اشاره کرد. ازجمله اینکه نفس در عالم رؤیا در عین حالی که از تدبیر بدن مادی فارغ است، به ادراکاتی بالاتر دست می‌یابد که خود نوعی از تکامل و سیر برزخی است. در عالم خواب - که مرتبه‌ای از مرگ است - هم جدایی نفس از ماده و بدن، قابل‌درک است و هم اطلاع یافتن از چیزهای جدید که زمینه تکامل علمی می‌شود. چنان‌که در عالم خواب، تکامل علمی رخ می‌دهد و این تکامل با ماده و حرکت جسمانی همراه نیست، تکامل برزخی هم همین‌طور است.

همچنان‌که به گفته ملاصدرا پایان یک حرکت و به‌غایت رسیدن آن از یک لحاظ، مرگ محسوب می‌شود، ولی در عالم بالاتر، تولد و آغاز حرکتی دوباره است.[7]

تکامل برزخی از منظر قرآن

در ارتباط با موضوع تکامل برزخی به برخی آیات قرآن استشهاد شده است که به‌طور کلی و به‌صورت اجمالی بر وجود نوعی از تحول و دگرگونی (چه تکاملی و چه تنازلی) در حال انسان‌ها پس از مرگ در عالم برزخ و حتی در عالم قیامت دلالت دارد.

الف) آیات دال بر رشد و دوام پاداش عمل

دسته‌ای از آیات قرآن هستند که دلالت بر رشد دائمی اعمال و دوام پاداش بر آنها دارند؛ از قبیل: «و هر کس کار نیکی انجام دهد ما برایش در آن نیکی می‌افزاییم.»[8]؛ «خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را فزونی می‌بخشد.»[9]؛ «هر کس کشت آخرت بخواهد بر کشت او می‌افزاییم.»[10]؛ «بیقین خداوند ذره‌ای به کسی ستم نمی‌کند و اگر همان اندازه کار نیک باشد آن را دوچندان می‌کند و از نزد خود پاداشی بزرگ عطا می‌نماید.»[11]؛ «کیست آن که به خداوند قرض‌الحسنه دهد تا خدا آن را برایش چندین برابر فزون‌تر کند؟!»[12] و ... این دسته از آیات بر رشد و توسعه دائمی اعمال دلالت دارد؛ چنان‌که از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) روایت شده است که فرمود: «إِنَ اللهَ لَیرَبّی لِأَحَدِکُمُ التّمرَهَ وَ اللّقمَهَ، کَمَا یُرَبّی أَحَدُکُمْ فَلُوّهُ وَ فَصِیلَهُ حَتّی یَکُونَ مِثْلَ أُحُد»؛ همان‌گونه که فردی از شما کُرّه اسب یا بچه شتر خود را می‌پروراند، خداوند نیز یک‌دانه خرما یا لقمه نان [صدقه] را برای شما می‌پروراند چندان‌که به‌اندازه کوه اُحُد می‌شود.[13]

ب) آیه نَکْتُبُ ما قَدّمُوا وَ آثارَهُمْ؛

«البته این ماییم که مرده‌ها را زنده می‌کنیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند (از عمل‌های حال حیات) و آثار (پس از مرگ) آنها را می‌نویسیم و همه‌چیز را در نسخه‌ای آشکار (لوح محفوظ) به‌طور فراگیر برشمرده‌ایم.[14]

ما قَدّمُوا به اعمال خوب و بدی تفسیر شده است که انسان‌ها در زمان حیات دنیوی خود، از پیش می‌فرستند و (وَ آثارَهُمْ) به اعمال خوب و بدی معنا شده است که منشأ خیر و شر واقع شده و آثار و گستره تأثیر آنها بعد از مرگ انسان‌ها باقی است و نفع و ضرر آن اعمال، تداوم داشته و موجب خیر و برکت و یا شر و زیان می‌شود.[15] و به همان میزان آثار اعمال (خیر و شر) در عالم برزخ پاداش می‌یابد.[16]

این بیانگر این نکته است که هر انسانی در عالم برزخ تحت تأثیر آثار اعمال خود، سیر تکاملی و یا تنزلی خود را طی می‌کند.

وقتی سخن از تکامل یا تنزل برزخی است، طبیعی است که منظور از آن، تکامل و تنزل متناسب با نظام عالم برزخ است که متفاوت با نظام عالم ماده است. لذا تکامل عملی که در سایه انجام اعمال نیک به دست می‌آید در عالم برزخ زمینه ندارد تا انسان با انجام کاری واجب یا مستحب به کمال برتر عملی برسد؛ چرا که عالم برزخ، عالم تکلیف نیست و شرایط و قوانین حاکم بر آن مثل شرایط و قوانین حاکم بر دنیا نیست تا رشد و تکامل در آن به شکل ماده و حرکت باشد؛ ولی راه تکامل علمی و معرفتی باز است، به این معنا که به‌حسب کارهای خوبی که انسان در دنیا انجام داده است و اثرش باقی است در عالم برزخ سبب ارتقای درجات وی می‌شود.

ج) دیگر آیات

دسته دیگر از آیات قرآن نیز وجود دارد که در موضوع تکامل برزخی مورد استشهاد برخی مفسران واقع شده است؛ مانند: سوره آل‌عمران، آیه ۷۷، سوره یس، آیه ۲۶، سوره ق، آیه ۳۵ و ... که به دلیل طولانی شدن مطلب، فقط بدان‌ها اشاره شد و برای مشاهده استدلال مفسران به تفاسیر مراجعه شود.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. اصفهانی، سید عبدالله، تکامل برزخی از منظر عقل و نقل، نشریه: الهیات قرآنی، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ش. شماره ۱۸۳، صص ۹ - ۲۶.
۲. اسد علیزاده، اکبر، تکامل برزخی از نگاه معارف عقلی و نقلی، نشریه: آیین حکمت، پاییز ۱۳۹۱ ش. سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۲۳ - ۲۷.
۳. حسنلو، نصیرالله، تکامل برزخی از دیدگاه علامه حسن‌زاده آملی، نشر: دانشیاران ایران، اول، ۱۳۹۴ ش.
۴. صداقت، محمد عارف، تکامل برزخی یا رشد پس از مرگ، قم، نشر زائر، ۱۳۹۲ ش.

پی‌نوشت‌ها:

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی ط –الإسلامیه، تهران، دارالکتب الإسلامی، چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۹؛ نیز همان، ج ۶، ص ۳؛ شیخ صدوق، الأمالی، تهران، کتابچی، ششم، ۱۳۷۶ ش، ص ۵۱۲.
۲. چنان‌که حضرت علی (ع) فرمودند: «فَإِنّ الدّنْیا لَمْ تُخْلَقْ لَکمْ دَارَ مُقَام بَلْ خُلِقَتْ لَکمْ مَجَازاً لِتَزَوّدُوا مِنْهَا الأَعْمَالَ إِلَی دَارِ الْقَرَارِ»؛ دنیا برای شما، سرای ثبات و قرار آفریده نشده است؛ بلکه آفریده شده تا عبورگاه باشد و از آن، زاد و توشه و اعمال صالح برای سرای قرار و ثبات فراهم کنید. (شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه (للصبحی صالح)، قم، هجرت، اول، ۱۴۱۴ ق. ص ۱۹۰)؛ «إِنّ الْیوْمَ عَمَلٌ وَلا حِسَابَ وَغَداً حِسَابٌ وَلا عَمَل»؛ امروز، هنگام عمل است نه حسابرسی و فردا روز حسابرسی است. (همو، ص ۸۴.)
۳. ر.ک: مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، صدرا، ج۸، ص ۲۵۷.
۴. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، نشر اسراء، ج ۱، ص ۲۴۵.
۵. ر.ک: شجاعی، محمد، معاد یا بازگشت به‌سوی خدا، ناشر: شرکت سهامی انتشار، ششم، ۱۳۹۹ ش، ج ۱، ص ۱۳۴.
۶. ر.ک: حسن‌زاده آملی، حسن، صد و ده اشاره، قم، ناشر: الف، لام، میم، ص ۲۴۰.
۷. شیرازی، صدرالدین محمد (ملاصدرا)، الشواهد الربوبیه، چاپ اول، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، تهران، ۱۳۸۲ ش. ص ۱۱۳.
۸. شوری، آیه ۲۳.
۹. بقره، آیه ۲۷۶.
۱۰. شوری، آیه ۲۰.
۱۱. نساء، آیه ۴۰.
۱۲. بقره، آیه ۲۴۵.
۱۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، المجازات النبویه، قم، دارالحدیث، اول، ۱۴۲۲ ق / ۱۳۸۰ ش. ص ۳۴۳.
۱۴. یس، آیه ۱۲.
۱۵. ر.ک: طوسی، محمد بن حسن، التبیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ج ۸، ص ۴۴۷؛ طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، پنجم، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۷، ص ۶۶؛ همو، ترجمه المیزان، سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، پنجم، ۱۳۷۴ ش. ج ۱۷، ص ۹۶؛ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، اول، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۸، ص ۳۳۲.
۱۶. «فهو فی البرزخ مثاب أو معذب بما کسبته من الأفعال.» طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۲۰۸.

*حسن بشارتی راد

چراغ راه

آثار و نتایج دنیاپرستی

قالَ النّبیّ (ص): «حُبُّ الدّنْیا رَأْسُ کُلِّ خَطِیئَهٍ، وَمِفْتَاحُ کُلِّ سَیّئَهٍ، وَسَبَبُ إِحْبَاطِ کُلِّ حَسَنَهٍ.»

پیامبر اکرم (ص) فرمود: دنیاپرستی، ریشه و رأس هر خطا، و کلید هر گناه و سبب بی‌حاصل شدن هر کار نیکی است.[1]

۱- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۸۲، ح ۱۰

حکایت خوبان

ترک خدا و دوستی با ابلیس مطرود

خدای متعال در حدیث قدسی به انسان می‌فرماید: ای کسی که وصال ما را ترک کرده‌ای، بازگرد. ای کسی که بر جدایی از ما سوگند خورده‌ای، سوگند خود را بشکن. اگر ارزش خویش را می‌دانستی، خود را با گناهانت خوار نمی‌کردی. ما ابلیس را برای این از خود راندیم که بر تو سجده نکرد، سپس چقدر عجیب است که تو او را دوست خود گرفته‌ای و ما را رها کرده‌ای![1]

۱- بدائع الفوائد، ج ۳، ص ۲۱۴

پرسش و پاسخ

راهکارهای مبارزه با هوای نفس و آرزوهای دراز(۲)

پرسش:

از منظر آموزه‌های وحیانی، راهکارهای مبارزه با هوای نفس و آرزوهای دراز کدام است؟

پاسخ:

در بخش نخست پاسخ به این سوال به مباحثی همچون: ۱- جایگاه و اهمیت مبارزه با هوای نفس و آرزوهای دراز، ۲- تعریف هوای نفس و آرزوهای دراز شامل: الف) تعریف نفس ۲) حالت و مراتب نفس پرداختیم. اینک در بخش دوم دنباله مطلب را پی می‌گیریم.

ج) نفس واحده

نتیجه‌گیری عقلانی و منطقی که از مراتب و حالات نفس می‌توان گرفت، این است که حقیقت نفس در انسان واحد است نه متعدد و متکثر، کما اینکه همین نفس واحده است که حالات و مراتب مختلفی را نیز به خود می‌گیرد. و اسامی مختلفی مانند: اماره، لوامه و مطمئنه را در هر مرحله‌ای پیدا می‌کند، اما در اصل و جوهره آن همان نفس واحده است که قابلیت‌ها و کارکردهای مختلفی را در شرایط و حالات مختلف حاصل می‌کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و نفس و ما سواها، فالهمها فجورها و تقویها» و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفرید) منظم ساخته و سپس فجور و تقوا(خیر و شرش) را به او الهام